

واکاوی ملاک‌های شرعی و علمی ولوج روح در جنین و نقش آن در تعیین مسئولیت کیفری

منوچهر خدارحمی^۱

جواد حبیبی‌تبار^۲

چکیده

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی چالش‌های موجود در تعیین زمان ولوج روح در جنین و نقش آن در تعیین احکام فقهی و قوانین کیفری مرتبط با سقط جنین است. ماهیت متافیزیکی روح و تعارض میان معیارهای شرعی و علمی، تعیین زمان دقیق ولوج روح را با دشواری مواجه ساخته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به دنبال واکاوی ملاک‌های شرعی و علمی ولوج روح در جنین است و از منابع فقهی، حقوقی و علمی بهره گرفته است. یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد که معیارهای موجود در تشخیص زمان ولوج روح، اغلب مبتنی بر شاخص‌های زمانی یا مفاهیم انتزاعی هستند که قابلیت سنجش عینی ندارند. این پژوهش، «حرکت ارادی جنین» را به عنوان معیاری نوین و قابل سنجش برای تشخیص ولوج روح معرفی می‌کند که نشانه‌ای از تکامل عصبی و حضور روح در جنین است. در نتیجه، استفاده از معیار «حرکت ارادی جنین» می‌تواند ضمن حفظ سازگاری با اصول شرعی و یافته‌های علمی نوین، مبنای عینی‌تری برای تدوین قوانین کیفری دقیق‌تر و منصفانه‌تر در زمینه سقط جنین فراهم آورد و به هماهنگی بیشتر میان دیدگاه‌های شرعی و علمی در این حوزه منجر شود.

واژگان کلیدی: سقط جنین، ملاک ولوج روح، تنظیم جمعیت و فرزندآوری، حرکت ارادی جنین، مسئولیت کیفری.

۱. دانشجوی دکتری فقه و حقوق جزایی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)؛

m.khodarahmi1364@yahoo.com کد ارکید: ۸۶۸۵-۱۳۷۳-۰۰۰۴-۰۰۰۹.

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق قضایی جامعة المصطفیٰ العالمیه، قم، ایران؛ javadhabibitabar@yahoo.com.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۷.

۱. مقدمه

سقط جنین، به عنوان یکی از پیچیده‌ترین مسائل اخلاقی، اجتماعی، حقوقی و فقهی در جوامع معاصر مطرح است. این موضوع نه تنها در حوزه پزشکی، بلکه در عرصه‌های گوناگون فکری و اجتماعی، چالش‌های عمیقی را برانگیخته است. از یک سو، ادیان ابراهیمی همچون مسیحیت، یهودیت و اسلام با سقط جنین مخالفت جدی دارند، و از سوی دیگر، جنبش‌های فمینیستی و مدافعان حقوق زنان، حق سقط جنین را در شمار حقوق اساسی زنان و مرتبط با اختیار آنها بر بدن خویش می‌دانند. این تقابل دیدگاه‌ها، سقط جنین را به یکی از موضوعات محوری در مباحثات سیاسی و اجتماعی در بسیاری از کشورها تبدیل کرده است. در جمهوری اسلامی ایران، که قوانین بر اساس فقه شیعه تدوین می‌شوند، مسئله سقط جنین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اصل اولیه در فقه اسلامی و به تبع آن، در قانون مجازات اسلامی، حرمت و ممنوعیت سقط جنین است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، قانون مجازات اسلامی، مواد ۶۲۲ و ۷۱۸). با این حال، قانونگذار در مواردی استثنائاتی را در نظر گرفته است؛ از جمله، در شرایطی که اگر سه پزشک تشخیص داده باشند که به طور قطعی، بقای جنین موجب خطر برای مادر یا موجب عقب افتادگی برای خود بچه می‌شود، این قانون با رضایت زنی که حامل آن جنین است اجازه می‌دهد که سقط صورت بگیرد. البته این قانون برای همین جواز هم شرایطی تعیین نموده است؛ از جمله اینکه اگر ولوج روح اتفاق افتاده باشد دیگر قانون اجازه سقط نمی‌دهد. نکته کلیدی در این بحث، مفهوم «ولوج روح» است که نقشی محوری در تعیین حکم فقهی و قانونی سقط جنین ایفا می‌کند. قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، که جایگزین ماده واحده سقط درمانی شده، اجازه سقط را منوط به عدم ولوج روح کرده است. این امر نشان می‌دهد که مفهوم ولوج روح، نقطه عطفی در تعیین مشروعیت یا عدم مشروعیت سقط جنین است.

علی‌رغم اهمیت بنیادین مفهوم ولوج روح در تعیین احکام فقهی و قانونی مرتبط با سقط جنین، تاکنون پژوهش جامع و منسجمی که به بررسی دقیق ملاک‌های تعیین زمان ولوج روح و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری بپردازد، صورت نگرفته است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ای عمیق در این زمینه را آشکار می‌سازد. این پژوهش، با هدف واکاوی دقیق ملاک‌های فقهی و حقوقی تعیین زمان ولوج روح در جنین و بررسی تأثیر آن بر مسئولیت کیفری انجام

می‌شود. نوآوری این تحقیق در رویکرد جامع موضوع آن است که شامل موارد زیر می‌شود:

- بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مختلف فقهی درباره زمان و نشانه‌های ولوج روح؛
- بررسی تأثیر مفهوم ولوج روح بر تعیین مسئولیت کیفری در جرائم مرتبط با سقط جنین؛
- ارائه چهارچوبی نظری برای هماهنگ‌سازی دیدگاه‌های فقهی با یافته‌های علمی در زمینه تکامل جنین.

۲. پیشینه پژوهش

حسین اسماعیلی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سقط جنین در صورت به خطر افتادن جان مادر و جنین» می‌گوید چنانچه ادامه بارداری، برای جان مادر و نیز جنین خطرناک باشد، سقط جنین قبل از ولوج روح صورت می‌پذیرد. چنین سقطی بنابه داده‌های این مقاله جایز است و نویسنده به برخی نظرات فقهی، از جمله نظر آیت‌الله خویی در این باره استناد نموده است. این مقاله، تنها به صورت تلویحی و ضمنی، اشاراتی به موضوع ما، یعنی ولوج روح داشته و به هیچ‌روی به بررسی ولوج روح به عنوان یک ملاک تعیین‌کننده فقهی در تعیین جواز/عدم جواز سقط جنین ورود پیدا نکرده است (اسماعیلی، ۱۳۹۴).

مقاله دوم با عنوان «دیدگاه‌های اخلاقی در مورد سقط جنین» از این منظر اهمیت دارد که توجهات را به اخلاقی بودن موضوع سقط جنین به عنوان یک مسئله اخلاقی سوق می‌دهد و اینکه نباید صرفاً دید فقهی و حقوقی به موضوع داشت؛ باین حال به علت اختصار مقاله نمی‌تواند به وعده‌های تعیین‌شده در اهداف خود وفا نماید (اشرفی، ۱۳۷۳).

مقاله «بررسی حقوق جنین و مجازات سقط آن از دیدگاه اسلام»، به‌ویژه در بخش دوم، با بخش‌های انتهایی این جستار به نوعی همپوشانی دارد؛ زیرا به بررسی دیدگاه اسلام درباره سقط جنین می‌پردازد. اما از آنجاکه به بحث ولوج روح به عنوان مسئله تعیین‌کننده نمی‌پردازد، دچار کلی‌گویی و اطلاع‌رسانی می‌شود و نه تحلیل پژوهشی (زرگوش‌نسب، ۱۳۸۹).

مقاله «بررسی سقط جنین از دیدگاه فقها»، اطلاعاتی نسبتاً شامل و جامع درباره دیدگاه فقهی در حوزه سقط جنین ارائه می‌دهد، اما مسئله ملاک بودن ولوج روح را به صورت اشاره‌وار برگزار کرده و نمی‌تواند اطلاعاتی به نسبت دقیق و تفصیلی ارائه نماید (نیکزاد، ۱۳۹۳).

مقاله «واکاوی زمان ولوج روح در جنین با تاکید بر آیات قرآن» بیشترین قرابت را به نوشتار حاضر دارد؛ زیرا به مسئله ولوج روح به عنوان کانون بحث خویش توجه کرده است. اما نقیصه آن در این است که صرفاً به دیدگاه‌های زمانی در خصوص ولوج روح پرداخته و سایر مباحث را از قلم انداخته است (رضوانی مفرد و نوراحمدی، ۱۴۰۱).

چنان‌که از این پیشینه مختصر آشکار می‌شود، مطالعات صورت گرفته به هیچ وجه بسنده نبوده و جای خالی پژوهش در موضوع واکاوی ملاک‌های شرعی و علمی ولوج روح در جنین و نقش آن در تعیین مسئولیت کیفری خالی است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده و به بررسی جامع منابع فقهی، حقوقی و علمی در زمینه ولوج روح می‌پردازد. در این مطالعه، پس از تحلیل معیارهای فقهی و کلامی ولوج روح، نظرات حقوق دانان بررسی و درنهایت، یافته‌های علمی نوین در این زمینه تحلیل شده است. پژوهش باتکیه بر مستندات شرعی و علمی، به شناسایی و مقایسه دیدگاه‌های مختلف پرداخته و درنهایت، با ارائه مدل «حرکت ارادی جنین به عنوان معیاری عینی»، به دنبال حل تعارض موجود میان دیدگاه‌های شرعی و علمی است.

۴. یافته‌ها و بحث

۴-۱. سقط جنین در ایران و جهان

بحث سقط جنین، تحولات قابل توجهی را در جهان معاصر تجربه کرده است. امروزه در اکثر کشورها، سقط جنین، دیگر در زمره جرائم جنایی طبقه‌بندی نمی‌شود؛ بلکه به عنوان بخشی از مباحث مربوط به رفاه خانواده و سلامت زنان به شمار می‌رود. این تغییر رویکرد به حدی چشمگیر بوده است که طی دهه‌های اخیر، حداقل هفتاد کشور، یا سقط جنین را قانونی کرده‌اند و یا شرایط مجاز برای انجام آن را گسترش داده‌اند (سیدی علوی و فتاحی، ۱۳۸۴، ص ۶۴۶-۶۴۷). با وجود این روند کلی به سمت قانونی شدن سقط جنین، تنوع قابل توجهی در رویکردهای کشورهای مختلف به این موضوع مشاهده می‌شود. این تنوع را می‌توان در مناطق مختلف جهان به شرح زیر مشاهده کرد: **آمریکای لاتین:** در کشورهای این منطقه که عمدتاً پیرو مذهب کاتولیک هستند، وضعیت

سقط جنین پیچیده و متنوع است. در بسیاری از این کشورها، سقط جنین به صورت مخفیانه و در شرایط غیربهداشتی انجام می‌شود. **ایالات متحده آمریکا:** در دوران ریاست جمهوری بیل کلینتون، سقط جنین در این کشور قانونی اعلام شد، که نقطه عطفی در سیاست‌های بهداشت باروری آمریکا محسوب می‌شود (همان) **اروپای شرقی:** در این منطقه، آزادی کامل در زمینه سقط جنین وجود دارد. **آفریقای سیاه (جنوب صحرا):** آمار سقط جنین در این منطقه بالاست؛ علی‌رغم اینکه در بسیاری از کشورهای این منطقه، سقط جنین همچنان غیرقانونی است. **آفریقای شمالی و خاورمیانه:** در این مناطق که عمدتاً کشورهای اسلامی هستند، قوانین مربوط به سقط جنین، بر اساس تفسیر شریعت اسلامی تدوین می‌شود. **شرق و جنوب شرق آسیا:** در کشورهایی مانند چین، ژاپن، کره، اندونزی و ترکیه، نه تنها سقط جنین قانونی است؛ بلکه در برخی شرایط، به دلایلی مانند کنترل جمعیت، حتی اجباری می‌شود. **ایران:** برخلاف روند جهانی، ایران موضع سختگیرانه‌تری در قبال سقط جنین دارد. در این کشور، سقط جنین عمدی، جرم تلقی می‌شود و مجازات قانونی دارد. با این حال، سقط جنین‌های غیرقانونی همچنان انجام می‌شود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۰۷-۱۰۸). در مورد ایران، قوانین مربوط به سقط جنین، پس از انقلاب اسلامی، بر اساس فقه اسلامی مورد بازنگری قرار گرفت. در چهارچوب قانونی فعلی، سقط جنین عمدی در زمره جرائم جنایی قرار می‌گیرد و بر اساس نوع عمل (عمدی، شبه عمدی یا خطایی) و شرایط وقوع آن، مجازات‌های متفاوتی برای آن در نظر گرفته شده است (علوی و فتاحی، ۱۳۸۴، ص ۶۵۰). این رویکرد ایران، در تضاد آشکار با روند جهانی به سمت قانونی کردن و آزادسازی سقط جنین قرار دارد. این مسئله، سؤالات مهمی را در مورد تعادل بین ارزش‌های مذهبی، ملاحظات بهداشت عمومی و حقوق فردی در ساختاری که قانون اسلامی نقش مهمی در شکل‌گیری سیاست‌های عمومی دارد، مطرح می‌کند.

این نمای کلی از وضعیت سقط جنین در جهان، پیچیدگی این موضوع را نشان می‌دهد که تحت تأثیر عوامل مذهبی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی قرار دارد. همچنین این بررسی، اهمیت تحلیل دقیق و زمینه‌محور را در پرداختن به این موضوع حساس، به ویژه در کشورهایی مانند ایران که ملاحظات مذهبی، نقش مهمی در تدوین سیاست‌های عمومی دارند، برجسته می‌کند. همان گونه که برای جواز سقط جنین دلایلی ذکر می‌گردد، برای عدم جواز سقط جنین عمدی نیز

ادله‌ای ذکر می‌گردد. در ایران که حقوق آن بر مبنای فقه امامیه است، مسئله تعیین‌کننده، بحث ولوج روح است. البته این به معنای آن نیست که ولوج روح، تمامی مسئله و تنها عنصر تعیین‌کننده است؛ بلکه اهمیت آن بیش از هر امر دیگری است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۰).

۴-۲. ملاک‌های ولوج روح در جنین

در اینجا می‌خواهیم پرسشی که ابتدا مطرح گردید، بررسی کنیم و آن اینکه: ملاک ولوج روح در جنین چیست؟ به عبارتی، برای آنکه ولوج روح را تشخیص دهیم، با چه چیزی و چه ابزار یا سازوکاری آن را شناسایی می‌کنیم و می‌سنجیم؟ برای شناسایی ولوج روح، حقوق دانان و فقها به سازوکارهای گوناگونی متوسل شده‌اند که در ادامه، آن را به بررسی می‌گیریم.

۴-۲-۱. ملاک‌های فقهی و کلامی

اولین ملاک ولوج روح که توسط حقوق دانان و فقها مورد ملاحظه قرار گرفته، ملاک فقهی و کلامی ولوج روح است. این موضوع، پیش از آنکه یک بحث فقهی باشد، اساساً یک مسئله کلامی است. در مباحث کلامی، نفخ روح به معنای تحقق نوعی خاص از حیات در موجود زنده تلقی می‌شود (جلسه درس استاد حبیبی تبار، ۱۴۰۳/۶/۲۱). این مفهوم ممکن است به دو شکل تفسیر گردد:

الف) تحقق حیات حیوانی: اگر نفخ روح به معنای انتقال جنین از حیات نباتی به حیات حیوانی باشد، موضوع روشن‌تر است؛ چراکه در اینجا حرکت ارادی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم حیات حیوانی مطرح می‌شود. در این تفسیر، برای تشخیص زمان وقوع نفخ روح، می‌توان از تکنولوژی‌های پیشرفته‌ای چون سونوگرافی بهره گرفت. در اینجا حرکت‌های ارادی جنین، مانند حرکت دست و پا، نشانه‌ای از تحقق حیات حیوانی به شمار می‌آیند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۷، باب الحیات، ص ۵۳۶) درعین حال باید توجه داشت که جنین حتی پیش از این مرحله نیز حرکات غیرارادی دارد.

ب) یک ماهیت فرامادی یا متافیزیکی: دیدگاه دیگری که در کلام اسلامی مطرح است، نفخ روح را به عنوان یک امر متافیزیکی و فرامادی می‌نگرد. در این تفسیر، نفس حیات حیوانی به تنهایی نمی‌تواند معیار کافی برای نفخ روح باشد؛ چراکه حیات حیوانی نه تنها در انسان، بلکه در سایر موجودات زنده نیز وجود دارد (جلسه درس استاد حبیبی تبار، ۱۴۰۳/۶/۲۱). آیه شریفه «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۲) دلالت بر آن دارد که نفخ روح در انسان با سایر مخلوقات متفاوت

است؛ چراکه این روح از جانب خداوند دمیده می‌شود و یک امر ماورایی است. باتوجه به این تفسیر ماورایی، نمی‌توان تشخیص زمان نفخ روح را تنها بر اساس معیارهای پزشکی و علمی، همچون حرکات‌های ارادی جنین بنا نهاد. در چنین مواردی باید به منابع شرعی مراجعه کرد؛ زیرا شریعت اسلامی، مستندات و دستورات دقیقی در این زمینه دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۲، ج ۷، باب الحیات، ص ۵۳۷). در قرآن کریم، آیاتی همچون: ﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ﴾ (ص: ۷۲) بر اهمیت نفخ روح در انسان تأکید دارند. این نفخ روح، به نوعی متفاوت از سایر موجودات در نظر گرفته شده و نشان‌دهنده بُعدی از وجود انسان است که او را از دیگر موجودات متمایز می‌سازد.

در برخی از روایات اسلامی، می‌توان سرنخ‌هایی درباره ملاک ولوج روح و دمیده شدن روح در جنین یافت. ازجمله این روایات، حدیثی است که مراحل تکامل جنین را چنین بیان می‌کند: «نطفه، مضغه، علقه، عظام و لحم» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۱۲). در ادامه این روایت آمده است: «فاذا نفخ فيه الروح فهو حينئذ نفس» به معنای این است که وقتی روح در جنین دمیده شد، در آن هنگام، جنین تبدیل به یک نفس انسان کامل می‌شود. این روایت، در زمینه بحث دیه مطرح شده است و در ادامه، به مقدار دیه، یعنی هزار دینار اشاره می‌کند. از مجموع این روایات می‌توان چنین استنباط کرد که برای تشخیص ملاک ولوج روح، باید به مرحله‌ای پس از تکمیل مراحل اولیه تکامل جنین توجه کرد. به عبارت دیگر، فرض بر این است که مراحل نطفه، علقه، مضغه، عظام (تشکیل استخوان‌ها) و اکساء اللحم (پوشیده شدن استخوان‌ها با گوشت) کامل شده باشد. بنابراین، در بحث ولوج روح، ما از مراحل قبلی صحبت نمی‌کنیم؛ بلکه به زمانی اشاره داریم که این مراحل اولیه به پایان رسیده است و نفخ و دمیده شدن روح صورت می‌گیرد؛ یعنی یک بعدیت در اینجا مطرح است. این نکته، از اهمیت ویژه‌ای در مباحث فقهی و اخلاقی مربوط به جنین برخوردار است (جلسه درس استاد حبیبی تبار، ۱۴۰۳/۶/۲۱).

زراره در روایتی از معصوم علیه السلام، چنین نقل کرده است: «ثم يبعث الله ملكين خلّاقين يخلقان في الارحام ما يشاء» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۴۹). استفاده از واژه ثم در این روایت، بر تأخیر و بعدیت دلالت دارد؛ یعنی پس از اتمام مراحل اولیه تکامل جنین. همچنین این روایت نشان می‌دهد که ولوج روح امری ماورایی است؛ زیرا اگر صرفاً به تکامل فیزیکی محدود بود، نیازی به ذکر ملکین خلّاقین (دو فرشته آفریننده) نبود. از این روایات می‌توان دو اصل موضوعی استنباط کرد: نفخ

روح، امری ماورایی است و نفخ روح، متعاقب مراحل تکامل مادی جنین صورت می‌گیرد. در نتیجه، پس از اتمام مراحل اولیه، مرحله ششم که همان ولوج روح است، فرا می‌رسد. قرآن کریم نیز در آیه شریفه، از واژه ثم استفاده کرده است: «ثُمَّ أَنْشَأَتْهُ خَلْقًا آخَرَ» (مؤمنون: ۱۴). بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی، تعبیر خلق مربوط به مراحل قبلی می‌شود، در حالی که تعبیر انشاء، به نفخ روح اشاره دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۳).

۲-۲-۴. ملاک‌های زمانی ولوج روح

یکی از ملاک‌های مطرح شده برای تشخیص ولوج روح، ملاک زمانی است. بر اساس این ملاک، باید مدت زمان طی شده در مراحل قبل از ولوج روح محاسبه شود. با مشخص شدن این بازه زمانی، امکان شناسایی و سنجش زمان ولوج روح فراهم می‌شود. فقهای شیعه عموماً مراحل پنج‌گانه قبل از ولوج روح را پذیرفته‌اند و بر آن اجماع نسبی وجود دارد. آیت‌الله خویی در این باره می‌نویسد: «بلا خلاف بین الاصحاح بل فی الانتصار والغنیته و محکی سرائره المبسوط الاجماع علیه» (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۴۹۲). بنابراین، تقدم مراحل پنج‌گانه بر ولوج روح و تأخر ولوج روح از این مراحل، فی الجمله مسئله‌ای اجماعی در فقه امامیه است. با وجود این اجماع، در اصل وجود مراحل پنج‌گانه قبلی، در مورد زمان وقوع و مدت هریک از این مراحل، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. آیت‌الله خویی در این باره می‌فرماید: «ملاك الاربعون فالاربعون یوما» (همان، ص ۴۹۳). ایشان برای سه مرحله اول نطفه به علقه، علقه به مضغه، و مضغه به نبات العظام، هر کدام چهل روز در نظر می‌گیرند، اما برای مراحل بعدی اکساء اللحم، در روایات زمان مشخصی ذکر نشده است. اگر برای مرحله شکل‌گیری استخوان‌ها تا پوشش گوشتی آنها و نیز مرحله تکامل گوشت بر استخوان تا ولوج روح، هر کدام چهل روز در نظر گرفته شود، مجموعاً دویست روز (حدود هفت ماه) به دست می‌آید. این در حالی است که اجماع فقها بر وقوع ولوج روح در چهار ماهگی است (همان، ص ۴۹۴). برای حل این تعارض، برخی معتقدند که پس از ۱۲۰ روز اول، مراحل بعدی به سرعت و همزمان اتفاق می‌افتند. البته آیت‌الله خویی در مورد مدت زمان مراحل پس از ۱۲۰ روز اول، نظر قطعی ارائه نکرده‌اند.

در بحث ملاک زمانی ولوج روح، ابن‌ادریس حلی راه حلی متفاوت ارائه کرده و معتقد است که ملاک تبدیل از یک مرحله به مرحله دیگر، «العشرون فالعشرون یوما؛ هر بیست روز است، نه چهل روز» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۱۶). بر این اساس، پنج مرحله بیست روزه، مجموعاً صد روز

می‌شود که با نظریه حلول روح در ماه چهارم سازگار است. اگرچه این دیدگاه، محذورات نظریه چهل روزه را ندارد، اما فاقد پشتوانه روایی است و حتی یک روایت از آن حمایت نمی‌کند. از سوی دیگر، اگر آن را مخالف اجماع بدانیم، با چالش دیگری مواجه می‌شویم (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۴۹۵). ابن‌ادریس دو ادعا مطرح می‌کند: اول، فاصله‌های بیست روزه بین مراحل؛ و دوم، نسبت در این بیست روزه. او می‌گوید: «ثم بعد العشرین یوم لكل یوم دینار الی اربعین یوما» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۴۱۶). این عبارت نشان می‌دهد که از روز بیستم علقه تا روز چهلیم مضغه، هر روز یک دینار به دیه افزوده می‌شود. نظریه «الاربعون فالاربعون؛ هر چهل روز» با چند اشکال مواجه است؛ از جمله آنکه برای مراحل انبات العظم و اکساء اللحم زمان مشخصی ذکر نشده است. اگر بگوییم بین این مراحل فاصله‌ای نیست، خلاف ظاهر روایات است. اگر ولوج روح را بعد از چهار ماهگی بدانیم، خلاف اجماع فقهاست (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۴۹۶). نظریه «العشرون فالعشرون» این اشکالات را ندارد، اما مستند روایی قوی برای آن وجود ندارد. در فقه، نیاز به استدلال مستند داریم که در این مورد در دسترس نیست. در نتیجه، اقوال فقها در خصوص ملاک زمانی ولوج روح متفاوت است و هریک با چالش‌هایی روبه‌روست (جلسه درس استاد حبیبی‌تبار، ۱۴۰۳/۶/۲۱). این اختلاف نظرها نشان‌دهنده پیچیدگی موضوع و نیاز به بررسی‌های بیشتر در این زمینه است؛ لذا ما در اینجا به بررسی اقوال فقها می‌پردازیم:

۴-۲-۲-۱. دیدگاه‌های عمده فقها در مورد زمان ولوج روح

الف) خلال ماه پنجم: علامه مجلسی در مرآة العقول بیان می‌کند که قول مشهور بین امامیه، ولوج روح پس از اتمام چهار ماهگی است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۱۶۰). این دیدگاه، در بحار الانوار نیز تکرار شده است (همان، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۳۵۵).

ب) رأس چهار ماهگی (۱۲۰ روزگی): شهید ثانی در مسالک (عاملی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۸۳) و فاضل اصفهانی در کشف اللثام (اصفهانی، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۲۰۴) این دیدگاه را مطرح کرده‌اند.

ج) پایان پنج ماهگی: آیت‌الله خویی با استناد به معتبره ابی‌شبر، این دیدگاه را برگزیده است (خویی، ۱۴۲۲، ج ۴۲، ص ۵۰۰).

د) شش ماهگی: این دیدگاه، توسط شیخ مفید (مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۳۶)، قاضی ابن‌براج (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۴۰)، یحیی بن سعید حلی (۱۴۰۵، ص ۶۲)، علامه مجلسی (۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۶۶)، محدث

نوری (۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۲۳) و ابن شهر آشوب (۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۶۵) مطرح شده است. مستند این دیدگاه، روایاتی است که حداقل مدت حمل را شش ماه ذکر کرده‌اند.

ه) همزمان با علائم حیات در جنین (حرکت ارادی جنین): این دیدگاه، بر اساس تحلیل روایات ابواب دیات شکل گرفته است. طبق این نظر، ولوج روح امری متافیزیکی است که با نشانه‌های مادی مانند حرکت ارادی جنین قابل تشخیص است. اختلاف نظر در مورد زمان دقیق ولوج روح نشان‌دهنده پیچیدگی این مسئله است. هریک از دیدگاه‌ها، بر اساس تفسیر خاصی از روایات و ادله فقهی شکل گرفته است. به نظر می‌رسد دیدگاه پنجم که ولوج روح را با علائم حیات در جنین مرتبط می‌داند، رویکردی جامع‌تر داشته و می‌تواند زمینه‌ساز پژوهش‌های بیشتر در این حوزه باشد (جلسه درس استاد حبیبی تبار، ۱۴۰۳/۶/۲۱). پیشرفت‌های اخیر در علم پزشکی و تصویربرداری جنین، چالش‌های جدیدی را در حوزه فقه اسلامی ایجاد کرده است. اخیراً مشاهدات جدیدی از رفتار جنین در مراحل اولیه بارداری، دیدگاه‌های سنتی درباره زمان ولوج روح را به چالش کشیده است. به عنوان مثال، فیلمی از یک جنین دو ماهه که رفتاری شبیه به نوزاد تازه متولدشده نشان می‌داد، توجه فقها را به خود جلب کرده است آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله جوادی آملی، دو تن از مراجع تقلید معاصر، پس از مشاهده این فیلم اظهار داشتند که اگر این مشاهدات صحت داشته باشد، می‌توان نتیجه گرفت که ولوج روح در این جنین اتفاق افتاده است (جلسه درس استاد حبیبی تبار، ۱۴۰۳/۶/۲۱). این دیدگاه جدید می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر احکام فقهی مرتبط با سقط جنین و تعیین دیه داشته باشد. در صورت پذیرش این دیدگاه، ممکن است صدور مجوز سقط جنین از طریق مراجع قضایی با محدودیت‌های بیشتری مواجه شود (موسوی بجنوردی، ۱۴۰۱، ص ۱۲۷-۱۳۰). همچنین در تعیین دیه احتمال دارد که حکم دیه کامل برای سقط جنین در مراحل اولیه بارداری (مثلاً دو ماهگی) صادر شود؛ درحالی‌که طبق دیدگاه‌های سنتی، دیه کامل معمولاً پس از چهار ماهگی تعیین می‌شد (محقق داماد، ۱۳۹۵، ص ۲۱۵-۲۲۰).

و) جمهور فقهای اهل سنت: با استناد به حدیث ابن مسعود، زمان نفخ روح را در ۱۲۰ روزگی جنین می‌دانند (ابن قدامه، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۸۱۶). برخی از علمای حنفی معتقدند علائمی همچون حرکت محسوس جنین و تشکیل اعضای اصلی، نشانه‌های ولوج روح هستند (سرخسی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۳۴). فقهای مالکی با استناد به روایات، معیار اصلی را تکمیل خلقت ظاهری جنین و آغاز حرکات منظم

آن می‌دانند (ابن رشد، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۱۵). علمای شافعی بر این باورند که تکمیل صورت انسانی و ظهور علائم حیات، از نشانه‌های قطعی ولوج روح است (نووی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۲۱). فقهای حنبلی با تأکید بر حدیث چهل روزه‌ای جنین، مراحل سه‌گانه نطفه، علقه و مضغه را پیش از ولوج روح می‌دانند (ابن قیم، ۱۴۲۶، ج ۲، ص ۲۵۶). در دوران معاصر، برخی علمای اهل سنت با استناد به یافته‌های علم پزشکی، زمان ولوج روح را منطبق با تکامل سیستم عصبی جنین می‌دانند (زحیلی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۵۵۷). پیشرفت‌های علمی در زمینه جنین‌شناسی و تصویربرداری پزشکی، لزوم بازنگری در برخی احکام فقهی مرتبط با جنین را مطرح کرده است. این موضوع نیازمند تحقیقات بیشتر و گفت‌وگو میان متخصصان علوم پزشکی و فقها است تا بتوان به دیدگاهی جامع و منطبق با واقعیت‌های علمی و اصول فقهی دست یافت.

۲-۲-۴. ملاک ولوج روح بر اساس محتوا و زمان در روایات

الف) ولوج روح پس از تکمیل مراحل پنج‌گانه: این دسته، شامل روایاتی است که بیان می‌کنند ولوج روح پس از تکمیل مراحل پنج‌گانه رشد جنین صورت می‌گیرد، اما زمان دقیقی را مشخص نمی‌کنند. ازجمله این روایات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: صحیحہ ظریف (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۱۷)، موثقہ ابی‌شریر القمی (همان، ص ۳۱۷)، خبر سعید بن مصیب (همان، ص ۳۱۶) و مرفوعه مفید (همان، ص ۳۱۷). این روایات که از نظر سندی، بین صحیح و موثق هستند، زمان دقیقی برای ولوج روح ذکر نکرده‌اند.

ب) ولوج روح پس از شکل‌گیری استخوان‌ها: این دسته از روایات، چهار مرحله را برای رشد جنین در نظر گرفته‌اند و بیان می‌کنند که ولوج روح پس از شکل‌گیری استخوان‌ها صورت می‌گیرد. ازجمله این روایات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: صحیحہ محمد بن مسلم (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۱۳) و روایت عبدالله بن سنان (همان). لازم به ذکر است که مشهور فقها، از این دسته روایات اعراض کرده و آن را به گونه‌ای تفسیر نموده‌اند که منظور از استخوان بندی، همراه با شکل‌گیری عضلات باشد، نه صرفاً شکل‌گیری استخوان‌ها (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۴۵).

ج) ولوج روح در پایان پنج ماهگی: در این دسته، تنها یک روایت وجود دارد که به روایت ابی‌شبل معروف است و زمان ولوج روح را پایان پنج ماهگی ذکر می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۱۷). این روایت، مورد استناد برخی از فقهای معاصر مانند آیت‌الله خویی قرار گرفته است (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۷۸).

د) ولوج روح در زمان تولد: این دسته نیز تنها یک روایت را دربرمی‌گیرد که از سلیمان بن صالح نقل شده است و بیان می‌کند که ولوج روح در زمان تولد صورت می‌گیرد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۱۳). دسته اول روایات که ولوج روح را پس از تکمیل مراحل پنج‌گانه می‌داند، بیشترین پذیرش را در میان فقها داشته است، اما ابهام در زمان دقیق این رویداد همچنان باقی است. دسته دوم، علی‌رغم صراحت در بیان زمان ولوج روح، با اعراض مشهور فقها مواجه شده است. دسته‌های سوم و چهارم، هرچند از نظر تعیین زمان دقیق‌تر هستند، اما به دلیل محدود بودن تعداد روایات، کمتر مورد استناد قرار گرفته‌اند.

۳-۲-۴. ملاک‌های کلامی و فلسفی

مسئله ولوج روح و زمان آن، از مباحث مهم در فقه اسلامی و فلسفه است. از منظر کلامی و فلسفی، روح، امری غیرمادی تلقی می‌شود و ولوج آن نیز ماهیتی متافیزیکی دارد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۴۵۷). این امر را نباید با حرکت اختیاری یا حیات حیوانی که جنبه‌های مادی دارند، اشتباه گرفت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۵۳). بر اساس مجموعه ادله، اعم از آیات قرآنی و روایات، به طور قطع ثابت شده است که ولوج روح پس از مراحل پنج‌گانه تکوین جنین رخ می‌دهد. این مراحل عبارت‌اند از: نطفه، علقه، مضغه، عظام و لحم (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۱۲۶). این امر، به عنوان یک پیش‌فرض مسلم در میان فقها پذیرفته شده است (حلی، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۴۲۱). روایات متعددی به فاصله زمانی بین این مراحل اشاره کرده‌اند. طبق این روایات، فاصله بین نطفه تا علقه و علقه تا مضغه، هرکدام چهل روز است که مجموعاً ۱۲۰ روز می‌شود (کلبینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۳). اما در مورد فاصله زمانی بین شکل‌گیری استخوان‌ها و پوشیده شدن آنها با گوشت، روایت صریحی وجود ندارد. این فاصله نمی‌تواند چهل روز باشد؛ زیرا در این صورت، مجموع زمان به دویست روز می‌رسد که مصادف با هفت ماهگی جنین خواهد بود و هیچ‌یک از فقها قائل به ولوج روح در هفت ماهگی نیستند (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۱، ص ۳۸۷). نظریه ابن‌ادریس و پیروانش مبنی بر راه حلی برای مشکل «فلعشرون» نیز فاقد مستندات کافی است (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۳۴۱). این موارد از مسلماتی هستند که به عنوان اصول موضوعه در این بحث در نظر گرفته می‌شوند. نکته قابل توجه دیگر این است که روایاتی که زمان‌بندی خاصی را برای این مراحل ذکر کرده‌اند، اغلب در پاسخ به سؤالات راویان بوده است. به عنوان مثال، در روایتی، امام حکم دیه سقط جنین را بیان می‌فرماید: اگر نطفه باشد بیست

دینار، اگر علقه باشد چهل دینار و اگر مضغه باشد شصت دینار. سپس راوی می‌پرسد تا کی؟ و امام پاسخ می‌دهد تا چهل روز (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۳۶۴). جالب توجه است که در میان روایات موجود، هیچ‌یک از مخاطبان ائمه علیهم‌السلام سؤال نکرده‌اند که ولوج روح دقیقاً چه زمانی رخ می‌دهد. این امر می‌تواند نشان‌دهنده پیچیدگی و ابهام ذاتی این موضوع باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۳۴۷).

بررسی ملاک فیزیولوژیکی (حرکات ارادی جنین)

در بحث زمان ولوج روح در جنین، به نظر می‌رسد که ائمه معصومین علیهم‌السلام و مردم عادی در آن زمان، بر اساس فهم عرفی و نشانه‌های ظاهری به این موضوع نگریسته‌اند. این رویکرد، بر مبنای اماره متفاهم عرفی استوار است که هم در گذشته و هم امروز به عنوان نشانه حیات شناخته می‌شود (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۴۵). حرکت جنین در رحم، از دیرباز به عنوان نشانه‌ای از حیات و وجود روح تلقی شده است. این امر در روایات اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۳). با این حال، پیشرفت‌های علمی در حوزه جنین‌شناسی نشان داده است که حرکات جنین می‌تواند زودتر از آنچه در گذشته تصور می‌شد، آغاز شود (Moore and Persaud, 2018, p79). اگرچه ولوج روح امری ماورایی است، اما نمی‌توان آن را کاملاً جدا از نشانه‌های فیزیکی دانست (جلسه درس استاد حبیبی تبار، ۱۴۰۲/۶/۲۲). همان‌طور که وجود خداوند متعال از طریق آیات مادی قابل استدلال است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۵۴)، ولوج روح نیز می‌تواند دارای علائم فیزیکی باشد. در روایات اسلامی، زمان دقیقی برای ولوج روح ذکر نشده، بلکه بیشتر بر مفهوم بعدیت تأکید شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۲۳). این امر نشان می‌دهد که ملاک اصلی، تکامل جسمانی جنین است، نه زمان مشخصی از بارداری. با توجه به پیشرفت‌های علم پزشکی و امکان مشاهده دقیق‌تر رشد جنین، می‌توان ملاک نوعی جدیدی برای تشخیص زمان ولوج روح تعیین کرد. این امر می‌تواند بر اساس مطالعات گسترده سونوگرافی و بررسی حرکات ارادی جنین صورت گیرد (Korner et al. 2021, p112). البته باید توجه داشت که تعیین زمان دقیق برای ولوج روح، می‌تواند پیامدهای حقوقی و اخلاقی مهمی داشته باشد؛ به‌ویژه در مورد مسائلی مانند سقط جنین (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۳۱). بنابراین، هرگونه تصمیم‌گیری در این زمینه باید با دقت و ملاحظات کافی صورت گیرد. در نهایت، می‌توان گفت که رویکرد اسلام به مسئله ولوج روح، ترکیبی از توجه به نشانه‌های ظاهری اماره نوعی و اصول کلی اخلاقی و فقهی است. این رویکرد انعطاف‌پذیر،

امکان تطبیق با یافته‌های جدید علمی را فراهم می‌کند، درعین حال که اصول اساسی حفظ حرمت حیات انسانی را نیز رعایت می‌نماید (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸).

۴-۳. تحلیل تطبیقی ملاک‌های مختلف و چالش‌های موجود

در این تحلیل، سه ملاک ولوج روح که شامل ملاک‌های فقهی و کلامی، ملاک زمانی و ملاک فلسفی و کلامی است، به طور تطبیقی بررسی می‌شود. این بررسی، به شناسایی شباهت‌ها، تفاوت‌ها و چالش‌های موجود در تحلیل مفهوم ولوج روح می‌پردازد.

۴-۳-۱. ملاک فقهی و کلامی

این ملاک عمدتاً بر اساس متون دینی و روایات اسلامی استوار است. فقها معتقدند که ولوج روح پس از طی مراحل پنج‌گانه جنینی (نطفه، علقه، مضغه، عظام و لحم) تحقق می‌یابد (مطهری، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۴۵). این ملاک به دنبال ایجاد پیوند میان علم جنین‌شناسی و آموزه‌های دینی است. همچنین این ملاک می‌تواند به عنوان پلی میان علم و دین عمل کند، اما نیازمند تفسیر دقیق و به‌روز از متون دینی است. چالش اصلی در این ملاک، تعارض احتمالی با شواهد علمی و عدم وجود نصوص خاص در مورد زمان دقیق ولوج روح است.

چالش‌های ملاک فقهی و کلامی

الف) تعارض با شواهد علمی: برخی از تفاسیر سنتی از متون دینی ممکن است با یافته‌های جدید علمی در تضاد باشند. برای مثال، برخی روایات به مراحل خاصی از رشد جنین اشاره می‌کنند که ممکن است با دانش امروزی جنین‌شناسی همخوانی کامل نداشته باشد (نظری، ۱۴۰۱، ص ۲۸۵-۳۰۰).

ب) عدم وجود نصوص خاص: در متون دینی، اشاره مستقیم و صریحی به زمان دقیق ولوج روح نشده است. این امر باعث تفسیرهای متفاوت و گاه متضاد می‌شود.

ج) تفاوت در تفسیر متون: علما و فقها ممکن است تفسیرهای متفاوتی از متون دینی مرتبط با ولوج روح داشته باشند که این امر می‌تواند به اختلاف نظر در مورد زمان و ماهیت ولوج روح منجر شود (خویی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۳۲۱).

۴-۳-۲. ملاک زمانی

این ملاک بر اساس زمان بندی مراحل جنینی و اجماع فقهی شکل می‌گیرد. اکثر فقها معتقدند که ولوج روح پس از اتمام چهار ماهگی رخ می‌دهد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۱۸۰). این ملاک سعی در

ارائه یک چهارچوب زمانی مشخص برای ولوج روح دارد که می‌تواند در مسائل حقوقی و پزشکی کاربرد داشته باشد. همچنین این ملاک می‌تواند در تدوین قوانین مربوط به سقط جنین و حقوق جنین مؤثر باشد، اما نیازمند بازنگری بر اساس یافته‌های جدید علمی است.

چالش‌های ملاک زمانی

الف) اختلاف نظر در زمان دقیق: اگرچه اکثر فقها بر ولوج روح پس از چهار ماهگی توافق دارند، اما در مورد زمان دقیق آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را در ابتدای ماه پنجم و برخی در انتهای آن می‌دانند (محقق داماد، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۷۸). یکی از چالش‌های این ملاک، شامل اختلاف نظر در زمان دقیق ولوج روح و تأثیر آن در بارداری است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۴۱۲).

ب) تأثیر عوامل فردی: هر بارداری، منحصر به فرد است و عوامل مختلفی مانند ژنتیک، تغذیه و شرایط محیطی می‌توانند بر سرعت رشد جنین تأثیر بگذارند. این امر، تعیین یک زمان ثابت برای همه موارد را دشوار می‌سازد.

ج) عدم انطباق با مراحل رشد عصبی: برخی دانشمندان معتقدند که فعالیت‌های مغزی جنین، که می‌تواند نشانه‌ای از حیات باشد، در زمان‌های متفاوتی آغاز می‌شود و لزوماً با زمان بندی چهار ماهگی منطبق نیست (همان).

۳-۴. ملاک فلسفی و کلامی

این ملاک به بررسی ماهیت روح و ولوج آن از منظر فلسفی و کلامی می‌پردازد. فیلسوفان و متکلمان، ولوج روح را امری ماورایی می‌دانند که نباید به صورت مادی و فیزیکی تفسیر شود (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۴۶). این ملاک به دنبال درک عمیق‌تر از ماهیت روح و رابطه آن با بدن است و می‌تواند به غنای فلسفی بحث ولوج روح کمک کند، اما نیازمند ارتباط بیشتر با یافته‌های تجربی و علمی است.

چالش‌های ملاک فلسفی و کلامی

الف) تعارض بین مفاهیم ماورایی و فیزیکی: تبیین ارتباط بین روح به عنوان امری غیرمادی، و بدن به عنوان امری مادی، همواره یکی از چالش‌های اصلی فلسفه ذهن بوده است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۳۴). در این زمینه، پاسخ‌هایی ارائه شده است:

پاسخ اول: نظریه همبستگی روانی- فیزیکی که توسط برخی فیلسوفان معاصر مطرح شده

است، می‌تواند راهی برای حل این تعارض باشد. این نظریه بیان می‌کند که حالات ذهنی، روحی و فیزیکی همبسته هستند، اما لزوماً یکسان نیستند. این دیدگاه اجازه می‌دهد تا ارتباط بین روح و بدن را بدون نیاز به تقلیل یکی به دیگری توضیح دهیم (چالمرز، ۱۹۹۶، ص ۲۴۷-۲۴۸).

پاسخ دوم: رویکرد نخواست‌گرایی می‌تواند راه حلی برای این تعارض باشد. این دیدگاه معتقد است که ویژگی‌های ذهنی و روحی، از پیچیدگی‌های دستگاه فیزیکی مغز نخواست‌می‌شوند، اما قابل تقلیل به آن نیستند. این رویکرد اجازه می‌دهد تا ارتباط بین روح و بدن را در چهارچوبی علمی‌تر بررسی کنیم (کیم، ۲۰۰۶، ص ۵۴۸-۵۵۰).

ب) چالش دوگانه‌انگاری: نظریه دوگانه‌انگاری که روح و بدن را دو جوهر متمایز می‌داند، با چالش‌های فلسفی متعددی روبه‌روست؛ از جمله اینکه چگونه دو جوهر کاملاً متفاوت می‌توانند بر یکدیگر تأثیر بگذارند (ملکیان، ۱۳۹۷، ص ۲۰۳-۲۰۵).

پاسخ اول: نظریه مونیسیم دو جنبه‌ای که توسط فیلسوفانی مانند اسپینوزا مطرح شده است، می‌تواند راه حلی برای چالش دوگانه‌انگاری باشد. این نظریه معتقد است که روح و بدن، دو جنبه از یک واقعیت واحد هستند، نه دو جوهر مجزا. این دیدگاه، مشکل تعامل بین دو جوهر متفاوت را حل می‌کند؛ زیرا آنها را دو وجه از یک چیز واحد می‌داند (ناگل، ۱۹۸۶، ص ۳۰-۳۱).

پاسخ دوم: نظریه همبستگی کوانتومی که توسط برخی فیزیک‌دانان و فیلسوفان معاصر مطرح شده است، می‌تواند توضیحی برای تعامل روح و بدن ارائه دهد. این نظریه پیشنهاد می‌کند که تعامل بین ذهن و ماده می‌تواند در سطح کوانتومی رخ دهد، جایی که مرز بین ذهنی و فیزیکی مبهم‌تر است. این دیدگاه می‌تواند چگونگی تأثیرگذاری دو جوهر ظاهراً متفاوت بر یکدیگر را توضیح دهد (پنروز، ۱۹۹۴، ص ۳۴۸-۳۵۰).

تحلیل تطبیقی ملاک‌های ولوج روح نشان می‌دهد که علی‌رغم وجود شباهت‌هایی مانند تأکید بر مراحل جنینی و توجه به متون دینی، تفاوت‌های قابل توجهی در مفهوم‌سازی روح و زمان‌بندی ولوج آن وجود دارد. چالش‌های اصلی، شامل تعارض میان فقه و علم، و تأثیر تفاوت‌های فردی در تعیین زمان ولوج روح است.

۴-۴. تأثیر ولوج روح بر قوانین کیفری مرتبط با سقط جنین

مسئله ولوج روح در جنین، تأثیر قابل توجهی بر قوانین کیفری مرتبط با سقط جنین دارد. این

تأثیر در قوانین مجازات اسلامی ایران و همچنین در فقه اسلامی، به وضوح قابل مشاهده است. در اینجا، ما به بررسی این تأثیرات و تفاوت های قانونی و فقهی مربوط به سقط جنین، در قبل و بعد از ولوج روح می پردازیم.

۴-۴-۱. تعیین مجازات بر اساس مراحل رشد جنین

قانون مجازات اسلامی ایران، مجازات های متفاوتی را برای سقط جنین در مراحل مختلف رشد تعیین کرده است. این مجازات ها بر اساس مراحل رشد جنین و قبل یا بعد از ولوج روح، متفاوت است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۷۱۶).

الف) مراحل قبل از ولوج روح: نطفه: دیه ۲۰ دینار، علقه: دیه ۴۰ دینار، مضغه: دیه ۶۰ دینار، عظام: دیه ۸۰ دینار، اکساء لحم: دیه ۱۰۰ دینار. لازم به ذکر است که در مورد مدت زمان مرحله نطفه، اختلاف نظر وجود دارد (همان). برخی معتقدند که این مرحله، چهل روز و برخی دیگر، بیست روز طول می کشد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷، ج ۲، ص ۳۳۵).

ب) مرحله بعد از ولوج روح: پس از ولوج روح، مجازات سقط جنین به شدت افزایش می یابد. (براین اساس، الف) جنین مذکر: دیه کامل ۱۰۰۰ دینار؛ ب) جنین مؤنث: نصف دیه کامل ۵۰۰ دینار؛ ج) جنین با جنسیت نامشخص: سه چهارم دیه کامل ۷۵۰ دینار (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۷۱۶). مجازات معاونت در سقط جنین نیز بر اساس زمان وقوع آن، قبل یا بعد از ولوج روح، متفاوت است. براین اساس، قبل از ولوج روح: مجازات تخفیف یافته نسبت به معاونت در قتل (محقق داماد، ۱۳۸۰، ص ۱۴۵) و بعد از ولوج روح: مجازات سنگین تر، مشابه معاونت در قتل (همان).

۴-۴-۲. بحث قصاص در سقط جنین بعد از ولوج روح

برخی از فقها معتقدند که در صورت سقط جنین بعد از ولوج روح، امکان قصاص وجود دارد. این دیدگاه بر اساس این استدلال است که پس از ولوج روح، جنین به عنوان یک انسان کامل محسوب می شود (خویی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۳۲۴). قانون مجازات اسلامی، مجازات های متفاوتی را برای افراد دخیل در سقط جنین، مانند پزشک، ماما و داروفروش در نظر گرفته است. این مجازات ها نیز بر اساس زمان وقوع سقط، قبل یا بعد از ولوج روح، متفاوت است (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، مواد ۶۲۲-۶۲۴). مسئله ولوج روح، تأثیر قابل توجهی بر قوانین کیفری مرتبط با سقط جنین دارد. این تأثیر، در تعیین میزان دیه، نوع و شدت مجازات، و همچنین در بحث امکان قصاص مشهود

است. قانونگذار با در نظر گرفتن مراحل مختلف رشد جنین و زمان ولوج روح، سعی در ایجاد تناسب بین جرم و مجازات داشته است (جلسه درس استاد حبیبی تبار، ۱۴۰۳/۶/۲۱).

قانونگذار در ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سقط جنین عمدی پس از ولوج روح را موجب قصاص دانسته است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۲۴). همچنین برای پزشک، ماما یا داروفروش که وسایل سقط را فراهم کنند، مجازات دو تا پنج سال حبس و محرومیت از حرفه پزشکی در نظر گرفته شده است (گلدوزیان، ۱۳۹۸، ص ۲۱۵). سقط جنین عمدی قبل از ولوج روح، صرفاً موجب دیه و تعزیر است، اما بعد از ولوج روح، امکان قصاص وجود دارد (آقای نیا، ۱۳۹۶، ص ۸۷ و اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۵۶). برای اثبات جرم، نیاز به احراز عمد، تعیین زمان دقیق ولوج روح و اثبات رابطه علیت بین عمل مرتکب و سقط جنین است (شامیاتی، ۱۳۹۵، ص ۳۴۲ و ولیدی، ۱۳۹۷، ص ۱۸۹).

۴-۵. دیدگاه‌های فقهی در مورد مجازات سقط جنین عمدی

در میان فقه‌های امامیه، دیدگاه‌های متفاوتی درباره مجازات سقط جنین عمدی پس از ولوج روح وجود دارد؛ از جمله:

الف) دیدگاه قصاص: برخی از فقه‌های امامیه معتقدند که سقط عمدی جنین پس از ولوج روح موجب قصاص می‌شود. این دیدگاه توسط فقهایی همچون محقق حلی (۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۶۶) و نجفی (۱۴۰۴، ج ۴۳، ص ۳۸۱) مطرح شده است.

ب) دیدگاه دیه: گروهی دیگر از فقه‌ها، از جمله آیت‌الله خویی (۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۱۷)، تنها دیه را در مورد سقط عمدی جنین پس از ولوج روح لازم دانسته‌اند. این دیدگاه، در میان فقه‌های معاصر، طرفداران بیشتری دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۶؛ وحید خراسانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۸۹ و خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۹۷).

۴-۶. تحولات قانونی اخیر در زمینه سقط جنین

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، مصوب ۱۴۰۰/۷/۲۴، تغییرات مهمی در رویکرد قانونی به سقط جنین ایجاد کرده است؛ از جمله:

الف) جنبه عمومی جرم سقط جنین: ماده ۵۶ این قانون، سقط جنین را جرمی با جنبه عمومی معرفی کرده است. این بدان معناست که حتی اگر پدر و مادر به سقط جنین رضایت داشته باشند، جنبه عمومی جرم از بین نمی‌رود (قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، ۱۴۰۰، ماده ۵۶).

ب) مجازات‌های متعدد: این قانون، علاوه بر دیه مقرر در مواد ۷۱۶ تا ۷۲۰ قانون مجازات

اسلامی، مجازات‌های دیگری مانند حبس و ابطال پروانه پزشکی را نیز برای مرتکبین سقط جنین در نظر گرفته است.

ج) شرایط مجاز سقط جنین: قانون جدید، شرایط مجاز برای سقط جنین را به طور دقیق‌تر مشخص کرده است. این شرایط عبارتند از:

یک- داشتن خطر جدی برای جان مادر، منحصر بودن راه نجات به سقط جنین، سن کمتر از چهار ماه جنین و عدم وجود نشانه‌های ولوج روح (همان).

دو- احتمال فوت مادر و جنین در صورت عدم سقط، و منحصر بودن راه نجات مادر به سقط جنین (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲، ماده ۷۱۸).

سه- وجود حرج و مشقت شدید غیر قابل تحمل برای مادر، ناهنجاری‌های جنینی غیر قابل درمان، عدم امکان جبران حرج مادر، فقدان امارات ولوج روح و سن کمتر از چهار ماه جنین (خمینی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۵۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۸۶ و وحید خراسانی، بی تا، ج ۳، ص ۵۸۹).

تحولات اخیر در قوانین مربوط به سقط جنین، نشان‌دهنده تلاش قانونگذار برای ایجاد توازن میان حفظ حرمت حیات جنین و توجه به شرایط اضطراری مادر است. بااین حال، به نظر می‌رسد که مقررات کیفری در این زمینه همچنان نیازمند اصلاح و تدقیق بیشتر است؛ به‌ویژه در مورد تعیین دقیق زمان ولوج روح و نحوه احراز آن.

۴-۷. سیر تحولات قانونگذاری در موضوع سقط جنین

قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴، سقط جنین را بدون توجه به مرحله رشد جنین، مطلقاً جرم‌انگاری کرده بود (نوربها، ۱۳۹۵، ص ۸۷). در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۶۲، برای نخستین بار تفکیک بین سقط، قبل و بعد از ولوج روح مطرح و دیه تعیین شد (گلدوزیان، ۱۳۹۸، ص ۲۱۳). قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰، مجازات‌های تعزیری را برای عاملان سقط، پیش‌بینی و برای کادر درمانی تشدید کرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴). قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، امکان قصاص در سقط عمدی بعد از ولوج روح و موارد مجاز سقط درمانی را پیش‌بینی کرد (آقای‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۹۲). مهم‌ترین چالش‌های قانون فعلی، عدم تعیین دقیق زمان ولوج روح و ابهام در تشخیص عمد در سقط جنین است (اردبیلی، ۱۳۹۳، ص ۱۶۷). قانونگذار در سیر تحول قانونگذاری، از جرم‌انگاری مطلق، به سمت تفکیک مراحل رشد جنین و توجه به شرایط پزشکی حرکت کرده است (شامبیاتی، ۱۳۹۵، ص ۳۴۵).

۵. نتیجه‌گیری

نتایجی که از پژوهش حاضر به دست آمده به شرح ذیل است:

الف) تعارض میان ملاک‌های سنتی و یافته‌های علمی: بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که ملاک‌های رایج برای تعیین زمان ولوج روح، عمدتاً بر اساس معیارهای زمانی یا مفاهیم انتزاعی استوار بوده‌اند. این امر منجر به بروز تعارض‌هایی میان دیدگاه‌های شرعی و یافته‌های علمی نوین شده است. دلیل این امر را می‌توان در ماهیت متافیزیکی روح و دشواری تعیین معیارهای دقیق علمی برای آن دانست.

ب) ناکارآمدی ملاک‌های موجود در تعیین مسئولیت کیفری: اختلاف نظرهای موجود در زمینه تعیین زمان دقیق ولوج روح، چالش‌هایی جدی در تعیین مسئولیت کیفری در موارد مرتبط با سقط جنین یا جنایات علیه جنین ایجاد کرده است. این امر، ضرورت بازنگری در ملاک‌های موجود را آشکار می‌سازد.

ج) ارائه معیار حرکت ارادی جنین به عنوان ملاک نوین: این پژوهش با ارائه رویکردی نوآورانه، حرکت ارادی جنین را به عنوان ملاک اصلی برای تشخیص ولوج روح پیشنهاد می‌کند. این معیار، بر اساس شواهد علمی مبنی بر ارتباط میان تکامل عصبی و حرکات ارادی جنین استوار است. مزیت اصلی این معیار، قابلیت مشاهده و اندازه‌گیری آن است که می‌تواند مبنای عینی‌تری برای تعیین مسئولیت کیفری فراهم آورد.

د) سازگاری با اصول شرعی و یافته‌های علمی: رویکرد پیشنهادی این پژوهش، ضمن حفظ ملاحظات شرعی و اخلاقی، با یافته‌های علمی نوین نیز سازگاری بیشتری دارد. این امر می‌تواند به کاهش تعارضات موجود میان دیدگاه‌های شرعی و علمی کمک کند.

ه) امکان بهبود قوانین کیفری: استفاده از معیار حرکت ارادی جنین می‌تواند زمینه‌ساز تدوین قوانین کیفری دقیق‌تر و منصفانه‌تر در زمینه سقط جنین شود. این امر می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر حقوق جنین و مسائل اخلاقی و حقوقی مرتبط با سقط جنین داشته باشد.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳ش)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
۲. اسماعیلی، حسین (۱۳۹۴ش)، «بررسی سقط جنین در صورت به خطر افتادن جان مادر و جنین»، مجله فقه پزشکی، ش ۲۲، ص ۲۲-۲۳.
۳. اشرفی، منصور (۱۳۷۳ش)، «دیدگاه‌های اخلاقی در مورد سقط جنین»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۷، ص ۶۲-۷۰.
۴. احمدی، محبوبه (۱۳۹۲ش)، «بررسی تطبیقی قوانین سقط جنین در کشورهای جهان»، فصلنامه تاریخ پزشکی، ش ۱۷، ص ۱۰۷-۱۰۸.
۵. آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۶ش)، حقوق کیفری اختصاصی: جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، حق و تکلیف در اسلام، قم: اسراء.
۷. چالمرز، دیوید (۱۴۰۲ش)، ذهن آگاه: در جستجوی یک نظریه بنیادی، ترجمه: یاسر پوراسماعیل، تهران: نشر نو.
۸. حبیبی‌تبار، جواد (۱۴۰۳ش)، جلسه درس دانشگاه رضوی، مشهد: دانشگاه رضوی.
۹. رضوانی مفرد، احمد و نوراحمدی، انسیه (۱۴۰۱ش)، «واکاوی زمان ولوج روح در جنین»، مجله مفتاح، ش ۹، ص ۸۹-۱۱۲.
۱۰. زرگوش‌نسب، عبدالجبار (۱۳۸۹ش)، «بررسی حقوق جنین و مجازات سقط آن»، مجله فرهنگ ایلام، ش ۲۶، ص ۱۲۹-۱۴۵.
۱۱. سیدی علوی، قدسیه و فتاحی، سیدحسین (۱۳۸۴ش)، وضعیت سقط جنین در جهان امروز، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی.
۱۲. شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۵ش)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات ژوبین.
۱۳. کیم، جگوان (۱۴۰۲ش)، فلسفه ذهن، ترجمه: نعیمه عطامنش، تهران: نوش آفرین.
۱۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸ش)، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، تهران: نشر میزان.
۱۵. محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۵ش)، قواعد فقه، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۶. _____ (۱۳۸۰ش)، «سقط جنین» در مجموعه مقالات دومین سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۹۰ش)، مجموعه آثار شهید مطهری، تهران: صدرا.
۱۸. ملکیان، مصطفی (۱۳۹۷ش)، راهی به رهایی، تهران: نگاه معاصر.
۱۹. موسوی بجنوردی، سیدمحمد (۱۴۰۱ش)، قواعد فقهی، تهران: سمت.
۲۰. میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۷ش)، جرایم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
۲۱. ناگل، توماس (۱۳۸۴ش)، دیدگاه از هیچ کجا، ترجمه: محمود عبادیان، تهران: هرمس.
۲۲. نوربها، رضا (۱۳۹۵ش)، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: گنج دانش.

۲۳. نظری، اعظم (۱۴۰۱ش) «واکاوی مبانی فقهی حکم سقط درمانی بعد از ولوج روح»، مطالعات فقه و حقوق اسلامی، ش ۲۶، ص ۲۸۵-۳۰۰.
۲۴. نیکزاد، عباس (۱۳۹۳ش) «بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی»، نشریه اسلام و سلامت، ش ۱، ص ۲۹-۳۷.
۲۵. ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۷ش)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات جنگل.
۲۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۲ش)، قانون مجازات اسلامی، تهران: مجلس شورای اسلامی.
۲۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰ش)، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، تهران: مجلس شورای اسلامی.

ب) عربی

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۲. ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۱۶ق)، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، بيروت: دار الفكر.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل أبي طالب، قم: علامه.
۴. ابن قدامة، عبدالله بن احمد (۱۴۱۷ق)، المغنی، بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر (۱۴۲۶ق)، التبیان فی اقسام القرآن، بيروت: دارالکتب العلمیه.
۶. اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسة آل البيت.
۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۹. خمینی، روح الله (۱۳۹۰ق)، تحریر الوسیله، نجف اشرف: دار الکتب العلمیه.
۱۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، مصباح الفقاهه، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي.
۱۱. _____ (۱۴۲۲ق)، موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئي.
۱۲. زحیلی، وهبه (۱۴۰۹ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق: دار الفكر.
۱۳. سرخسی، محمد بن احمد (۱۴۱۴ق)، المبسوط، بيروت: دار المعرفه.
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۹۸۱م)، الحکمة المتعالیة، بيروت: دار إحياء التراث.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم..
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو.
۱۷. طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق)، المهذب، قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبة المرتضویه.
۱۹. عاملی، زین الدین (۱۴۱۳ق)، مسالک الأفهام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۱. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
۲۲. _____ (۱۴۰۴ق) مرآة العقول، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۲۳. محقق حلی، نجم الدین (۱۴۰۸ق)، قواعد الاحکام، قم: موسسه النشر الاسلامی.

۲۴. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰ش)، بحوث فقهیه هامه، قم: مدرسه الامام علی علیه السلام.
۲۶. _____ (۱۴۲۷ق)، أنوار الفقاهة، قم: مدرسة الإمام علی علیه السلام.
۲۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۸. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۲۹. نووی، یحیی بن شرف (۱۴۱۷ق)، المجموع شرح المذهب، بیروت: دار الفکر.
۳۰. وحید خراسانی، حسین (بی تا)، منهاج الصالحین، قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام.
۳۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۳۲ق)، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی

ج) لاتین

1. Korner, A., et al. (2021). Fetal Movement Detection: Current and Future Approaches. 4Obstetrical & Gynecological Survey, 76(2), 111-120.
2. Moore, K. L., & Persaud, T. V. N. (2018). *The Developing Human: Clinically Oriented Embryology* (11th ed.). Philadelphia: Elsevier.
3. Roger Penrose, (1994), *Shadows of the Mind: A Search for the Missing Science of Consciousness*, Oxford: Oxford University Press.





پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی